

چگونه به قصه فرار کنیم

O سیدمحمد طلوعی برارنده



عنوان کتاب: چگونه قصه بگوئیم
 نویسنده: پائولا سانتاگو ستینو
 مترجم: آنتونیا شرکاء، عسل بسکوئیدی
 ناشر: کتابهای نگین - محمد ابراهیم مجرد
 نوبت چاپ: اول ۱۳۸۳
 شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
 تعداد: صفحات ۱۰۲ صفحه
 بها: ۱۴۰۰ تومان

این موضوع البته هنگام انتخاب قصه‌ها روشن می‌شود؛ مثلاً با تطبیق نظریات پراب، بسیاری از قصه‌های دهان به دهان نقل شده و بعدها ثبت شده، به علت عدم توالی خویشکاری‌ها، قصه‌های پریانی نیستند و ریشه‌هایی از فابل‌ها، مثل‌ها و افسانه‌های قومی دارند. در صورتی که با نگاه اشکولوفسکی، همین داستان تنها به علت انتخاب تصادفی خویشکاری‌هایش، می‌تواند پریانی باشد. در واقع اهمیت این موضوع، هنگام اطلاق صفت پریانی است؟ یا سؤالی در راستای هدف‌های کتاب، کدام داستان را می‌شود برای کودک تعریف کرد؟ جواب نویسنده به این سؤال، بسیار گنگ است و به هیچ وجه روشن کننده جواب سؤال‌های بالا نیست. نویسنده داستان‌های «کلاسیک» را به عنوان داستان‌هایی قابل خواندن برای کودک مشخص می‌کند، اما سؤال دیگری مطرح می‌شود: داستان کلاسیک پریانی، چگونه داستانی است؟ جواب نویسنده به این سؤال، به صورتی کلی در بستری فرم‌گرا سیر می‌کند؛ داستان کلاسیک، داستانی است که شامل آغاز، بحران و گره‌گشایی^۱ باشد، اما در جزئیات، دستوراتی مضمونی را نیز شامل می‌شود. «در قصه‌ها همواره نیکی و پلیدی، خوب و بد، تمایز آشکاری دارد».

به هر حال، برآیند شاخص‌های نویسنده برای توصیف داستان کلاسیک پریانی محدود است و

آن چه پائولا سانتاگو ستینو، به عنوان قصه برای کودکان تجویز می‌کند، چیزی نیست جز قصه‌های پریانی؛ یعنی آن چه در نام کتاب با عنوان عمومی قصه یاد می‌شود و مثال‌هایی که در کتاب آورده شده، همه قصه‌های پریانی است. هرچند تعمیم قصه‌های پریانی به همه انواع قصه‌ها امری ناموجه به نظر می‌رسد، چندان ارتباطی به نویسنده کتاب ندارد. مترجمان عنوان کلی «قصه» را برای «Fiaba» در نظر گرفته‌اند که در ایتالیایی، به معنای قصه‌های اجنه و شیاطین و پری‌هاست. با توجه به این موضوع، عنوان اصلی کتاب چیزی است شبیه «چگونه قصه پریانی تعریف کنیم»^۲ و البته کتابی که چنین موضوعی را مورد مذاقه قرار می‌دهد، بایستی از الگوهای تقسیم و طبقه‌بندی داستان‌های پریانی، برای آموزش قصه‌گویی استفاده کند. در این مرحله اما کتاب دچار چندگانگی است و فرض‌هایش در اصول قصه‌گویی، مدام از نظریات توالی تصادفی اشکولوفسکی تا تحلیل مضمونی لوی استروس در نوسان است. گاهی با تفسیر ناخودآگاه به شیوه‌ای یونگی پایان ناخوش را برای کودک نامناسب می‌داند^۳ و گاهی توالی خویشکاری‌ها^۴ را به گونه‌ای پرابی ناگزیر می‌پندارد.

در واقع کتاب، بیشتر تابع نظریات کارگاهی و مبتنی بر تجربیات نویسنده است تا پایبند تئوری‌های طبقه‌بندی داستان‌های پریانی. اهمیت

در این که قصه‌ها بخش عمده‌ای از شخصیت کودکان را می‌سازند یا آن را به سمتی که می‌خواهند سوق می‌دهند، شکی نیست. اگر کمی افراطی‌تر به قضیه نگاه کنیم، همه شخصیت بزرگسالی ما تحت تأثیر قصه‌هایی است که در دوران کودکی شنیده‌ایم. کتاب «چگونه قصه بگوئیم»، با توجه به همین نظرگاه، سعی می‌کند شیوه‌های قصه‌گویی را به بزرگسالان آموزش بدهد. نظرگاه کتاب که بزرگسالی را هدف گرفته و آموزش تأثیرات قصه‌گویی در کودکان را نشان کسانی می‌دهد که در اکثر مواقع به قصه‌ها در حد چیزهایی سرگرم کننده نگاه می‌کنند، بسیار یگانه است؛ در واقع نگاه درست نویسنده به مقوله رسانگی در قصه‌گویی را نشان می‌دهد. در دنیایی که مقابل تهاجم رسانه‌ای قرار گرفته، تنها پدرها و مادرها (و در اغلب موارد تعداد کمی از آنها) باقی مانده‌اند تا برای کودکان‌شان درهای دنیاهای پریانی را باز کنند.

چرا باید کلاسیک‌ها را بخوانیم؟

کتاب «چگونه قصه بگوئیم»، بعد از بحث‌های مقدماتی درباره کودک و قصه، اهمیت صدای مادر (حضور قصه‌گو) و نمادگرایی ذهن کودک در حل مسائل پیرامونی (که کاملاً تحت تأثیر نظریات پیازه است)، به بخشی می‌رسد که تفسیر خود از قصه را باید ارائه کند.

دارد^۲. در حالی که طبق نظریه پراپ، در شرایط خاصی، خویشکاری قهرمان قصه نیاز به همراهی «همراه» شر دارد که او را به طرفی سوق می‌دهد، اما به دلیل تقدیر / هوش قهرمان، آن مسیر موجب عاقبت به خیری قهرمان می‌شود.^۳ مهم‌ترین نکته‌ای که قابل بررسی است، همراهی کودک در خلق قصه و تبدیل مشکلات روزمره‌اش به عناصر داستانی است. در واقع نویسنده، داستان را به عنوان ابزاری روان‌کاوانه برای تشریح عقده‌ها و مشکلات کودک پیشنهاد می‌دهد.

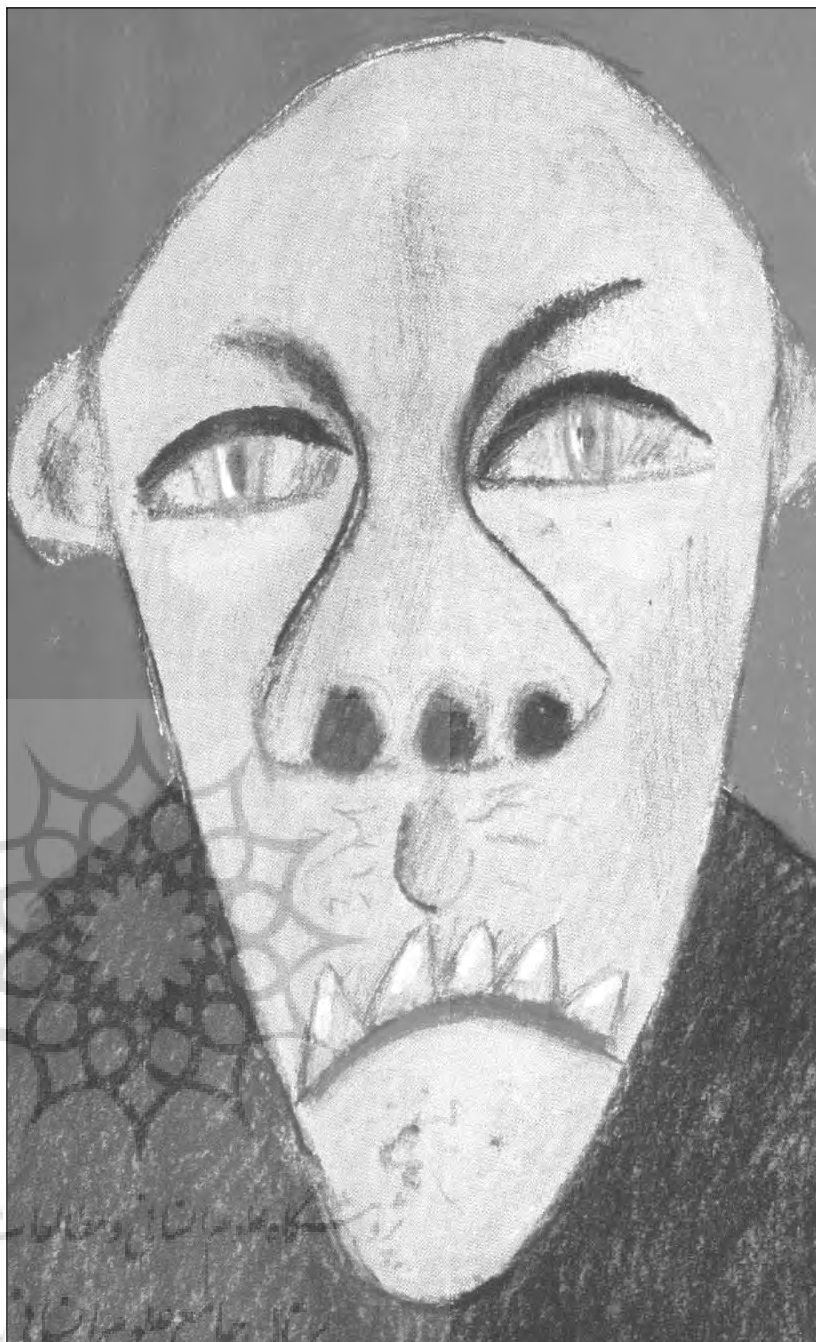
حسرت‌های کوچک یک منتقد

قبل از این خیال می‌کردم «آنتونیا شرکاء» باید مرد باشد؛ شاید به دلیل نگاه مردسالارانه‌ام به موضع انتقادی و این که کاری مردانه است (آن موقع هنوز نمی‌دانستم که حرف a در انتهای اسم‌های ایتالیایی، آن‌ها را مؤنث می‌کند). در مجله فیلم نقدهایش را خواندم و البته شاید درست فکر می‌کردم که او باید مرد باشد. با وجود این، او زن بود، اما موضعی مقتدر داشت که دوست می‌داشتیم و دارم (اقتدار موضع انتقادی را هم چنان دوست می‌دارم؛ هرچند در بسیاری از تئوری‌های تازه آمده، شبیه کفر است. در شکل تلطیف شده‌اش، به اقتدار افق نگاه مشترک انتقادی معتقدم).

اما آن چه در این کتاب به نظرم از دست آنتونیا شرکاء در رفته، عدم تسلط وی به موضوع ترجمه است. او چندان چیزی از داستان‌های پریانی و طبقه‌بندی‌شان نمی‌داند و برای بسیاری از لغت‌های تخصصی داستان‌های پریانی، مقابل آشنایی پیدا نکرده (البته شاید چون چیزی از ایتالیایی درباره داستان‌های پریان پیش از این ترجمه نشده). آن اقتداری که در نقدهای «شرکاء» دیده می‌شود، در کتاب وجود ندارد و این بیش از هر چیزی حسرت بار است؛ برای من که اقتدار زنانه «شرکاء» را در نقدهایش دوست می‌داشتیم و دارم.

پی‌نوشت

- 1- "Come raccontare una fiaba"
- ۲- صرف‌نظر از مسائل روان‌شناسانه، پایان ناخوش در قصه‌های پریانی موجود نیست و آن‌هایی که به پایانی ناخوش می‌رسند، از سایر شکل‌های داستانی، شبیه متل‌ها، فابل‌ها و افسانه‌های قومی تأثیر گرفته‌اند.
- 3- Functions
- ۴- سانتاگوستینو، پائولا: چگونه قصه بگوییم، آنتونیا شرکاء، عسل بسکوئیدی، کتاب‌های نگین، چاپ اول ۱۳۸۳، صفحه‌ی ۱۹
- ۵- همان / صفحه‌ی ۲۰
- ۶- همان / صفحه‌ی ۳۲
- ۷- همان / صفحه‌ی ۲۰
- ۸- پراپ، ولادیمیر: ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، فریدون بدره‌ای، نشر توس، چاپ اول ۱۳۶۸، صفحه ۸۱.



دو طرفه بین قصه‌گو (والد) و شنونده (کودک) است. تحلیل این رابطه و شرایط جابه‌جایی دو طرف قضیه، از جمله همان موارد تجربی است که نویسنده به علت برخورد مستقیم با آن‌ها، نتایج درخشانی گرفته. این که قصه را با چه عناصری شروع کنیم یا چه طور گسترش بدهیم که موجب حرکت تخیل کودک شود، بسیار جالب است. هرچند همان اشکال چندگانگی انتخاب قصه‌ها را به علت تداخل شیوه‌های طبقه‌بندی دارد. برای مثال، همراه شری که در داستان‌های پریانی وجود دارد، نمی‌تواند در چرخشی آشکار به سمت خیر حرکت کند؛ چرا که با اصول اولیه قصه‌هایی که نویسنده پیشنهاد می‌دهد، منافات دارد: «در قصه‌ها همواره نیکی و پلیدی، خوب و بد، تمایز آشکاری

این محدودیت، نتیجه طبیعی اشتراک بین نظریات مختلف طبقه‌بندی قصه‌های پریانی است. با این همه، نویسنده وقتی قرار می‌شود به حوزه تجربی رجوع کند، نتایج بهتری می‌گیرد. مثلاً هنگام توصیه برای گفتن قصه‌های عبرت‌آموز می‌گوید: «بنابراین هنگام قصه‌گویی برای بچه‌های خصوصاً کم سن و سال، ارجح آن است که از حیطه فرهنگ اصیل خود دور نشده و کشف سرزمین‌های ناشناخته در دوردست‌ها را بگذاریم برای بعد.»^۴ توصیه‌های عملی سانتاگوستینو اغلب قابل اتکا است و به علت تجربه شدن، به نظر بی‌خطر می‌رسد.

چگونه قصه بسازیم؟

مهم‌ترین بخش کتاب، بی‌شک رابطه